

## **Behavioral Signs of Belief in the Imamate of the Ahl al-Bayt (AS) among the Imami Shiites of the Age of Presence**

**Ali Mortazawi Mehr**<sup>\*</sup>

**Mohammad Jawad Yawari**<sup>\*\*</sup> **Nasrin Fattahi**<sup>\*\*\*</sup>

(Received on: 2020-07-11; Accepted on: 2021-05-29)

### **Abstract**

Imami Shiites believe in the divine leadership of the Ahl al-Bayt (AS). This theoretical belief has been reflected in many books and articles, but so far no research has been done to focus on their practical behaviors and objective beliefs in the Age of Presence about the affairs, attributes and other axes of the Imamate system. Based on these shortcomings, even orientalist and religious dissidents have come to the conclusion that the beliefs of the Imami Shiites have been formed or evolved in the periods after the Age of Presence. In order to identify and recognize these behaviors and evaluate them, it is necessary to conduct a historical study of their manifested ideas and to clarify whether the Shiites of the Age of Presence had fundamental ideas about the Imamate. In answer to this basic question, it was concluded that the Shiites, from the very beginning of their formation, had fundamental ideas on the issue of Imamate, manifested in the political and social events of their lives. This article uses descriptive and analytical methods.

**Keywords:** Behavioral Diagnosis, Shiites of the Age of Presence, Imamate of Ahl al-Bayt (AS).

---

\* Assistant Professor, Department of Theology, Razi University, Kermanshah, Iran (Corresponding Author), a.mortazavimehr@razi.ac.ir.

\*\* Assistant Professor, Department of History, Baqir al-Olum University, Qom, Iran, yavari@bou.ac.ir.

\*\*\* Assistant Professor, Department of Theology, Razi University, Kermanshah, Iran, n.fattahi@urd.ac.ir.

# پژوهش‌نامه امامیه

«مقاله پژوهشی»

سال هفتم، شماره چهاردهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ص ۱۳۹-۱۵۶

## نشانه‌یابی رفتاری باور به امامت اهل بیت (علیهم‌السلام) در میان شیعیان امامیه عصر حضور

علی مرتضوی مهر\*

محمدجواد یآوری\*\* نسرین فتاحی\*\*\*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۸]

### چکیده

امامیه به امامت الهی اهل بیت (علیهم‌السلام) باور دارند؛ این عقیده نظری آنان در میان کتاب‌ها و مقالات متعددی انعکاس یافته، اما تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است که رفتارهای عملی و باورمندی عینی آنان در عصر حضور را درباره شئون، صفات و دیگر محورهای نظام امامت، در کانون توجه قرار دهد. بر اساس این کاستی‌ها حتی خاورپژوهان یا دگراندیشان مذهبی نیز به این باور رسیده‌اند که باورهای شیعه امامیه در دوره‌های متأخر از عصر حضور شکل گرفته یا تکامل یافته است. اکنون برای شناخت و نشانه‌یابی این رفتارها و ارزیابی آنها لازم است بررسی تاریخی درباره اندیشه‌های تجلی‌یافته آنان صورت پذیرد و روشن شود که، آیا شیعیان عصر حضور از اندیشه‌های بنیادین درباره امامت برخوردار بوده‌اند؟ در پاسخ به این پرسش بنیادین، این نتیجه حاصل شد که شیعه در همان آغاز شکل‌گیری، اندیشه‌های بنیادین در مسئله امامت داشته و در رویدادهای سیاسی اجتماعی زندگی‌شان تجلی یافته است. این مقاله از روش توصیفی و تحلیل بهره گرفته است.

**کلیدواژه‌ها:** نشانه‌یابی رفتاری، شیعیان عصر حضور، امامت اهل بیت (علیهم‌السلام).

\* استادیار الاهیات، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول) a.mortazavimehr@razi.ac.ir

\*\* استادیار تاریخ، دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران Yavari@bou.ac.ir

\*\*\* استادیار الاهیات، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران n.fattahi@urd.ac.ir

## مقدمه

در طول تاریخ، ادیان و مذاهب بر پایه اندیشه‌های بنیادین اعتقادی شکل گرفته و در رفتار فردی، اجتماعی و ... تبلور یافته است. اگر مذهب یا آیینی از همان آغاز تکوین و تدوین، اندیشه‌های بنیادینی نداشته باشد در دعوت و ادامه حیاتش دچار نقص می‌شود. بنابراین، کشف و شناخت این اندیشه‌ها و محدوده آن کمک می‌کند تا بدانیم این مذهب چه مقدار از قوت در مبانی برخوردار است؟ آیا توانسته است در جان و رفتار پیروان نفوذ کند؟ آیا این اندیشه توانسته است با تجلی در رفتار پیروان، مایه حیات و حرکتشان باشد؟

شیعه در همان آغاز پیدایی دارای اندیشه‌های بنیادین، به‌ویژه در مسئله امامت، بوده است، موضوعی که امروزه محل تردید برخی از مستشرقان و مخالفان شیعه قرار گرفته و معتقدند باورهای شیعه در دوره‌های متأخر از عصر حضور شکل گرفته یا تکامل یافته است. برخی از خاورشناسان (هالم، ۱۳۸۵: ۱۵)، برخی روشنفکران مسلمان و منابع اهل تسنن معتقدند شکل‌گیری تشیع و باورهای شیعی در دوره‌های بعد از خلافت خلفا بوده و آنان در زمان سقیفه و روی کار آمدن بنی‌امیه برای اثبات خلافت حضرت علی (علیه‌السلام) هیچ ملاک و مبنایی نداشته‌اند و صرفاً با تکیه بر بستگی علی (علیه‌السلام) با رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) یا عقلانی بودن شخصیت علی (علیه‌السلام) برای جانشینی اقدام به دفاع از حکومت وی کرده‌اند (ابن‌ندیم، بی‌تا: ۴/۱۸۰-۱۸۳)، چنان‌که محسن کدیور در این باره می‌گوید بسیاری از مفاهیمی که به عنوان مفاهیم کلیدی در شیعه سنتی مطرح شده، در کتاب نهج‌البلاغه هیچ محلی از اعراب ندارد. علی (علیه‌السلام) از «افضلیت خود سخن گفته است؛ اما وی کجا از عصمت خود سخن گفته است؟ سلمان، مقداد و عمار که در یک انتخاب تاریخی در نظر ما درست است انتخاب کردند؛ اما چرا آنان علی (علیه‌السلام) را انتخاب کردند؟ آیا حرف از عصمت و علم غیب علی (علیه‌السلام) بود؟ من شیعه‌ام چون از برداشت سخنان امام علی (علیه‌السلام) برداشتی عقلایی‌تر و عادلانه‌تر نیافته‌ام» (محدر و یاوری سرتختی، ۱۳۹۷: ۷۶).

برخی از روشنفکران، استنادات منابع شیعه و سنی مبنی بر وجود ملاک‌هایی برای اثبات مشروعیت حکومت حضرت علی (علیه‌السلام) را توجیه کرده و آن را ساخته و پرداخته عصرهای بعدی تاریخ تشیع، یعنی قرن ۴ و ۵، می‌دانند. مدرسی طباطبایی معتقد است: «موضوع حقانیت امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) نسبت به این مقام، دست‌کم از روزگار عثمان خلیفه سوم رسماً به وسیله طرفداران حضرتش علیه خلیفه شاعل مطرح می‌شود» (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶: ۳۳؛ محدر و یاوری سرتختی،

۱۳۹۷: ۷۶). به عبارت دیگر، وی معتقد است شیعیان در هنگام سقیفه، هیچ دلیلی و ملاکی برای اثبات مشروعیت و منشأ حکومت حضرت علی (علیه السلام) نداشته‌اند.

بر پایه شبهات موجود و فهم تاریخی عصر حضور اهل بیت (علیهم السلام) برای تحلیل دقیق تاریخ و اندیشه شیعه، در این پژوهش می‌کوشیم بررسی کنیم که: رفتارهای شیعیان امامیه عصر حضور راجع به امامت اهل بیت (علیهم السلام) چیست؟ فرضیه پژوهش حاضر این است که اندیشه‌های بنیادین را رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تبیین کرده و ائمه (علیهم السلام) برای هدایت و مدیریت سیاسی، اجتماعی و عقیدتی شیعیان، این اندیشه‌ها را مطرح و شیعیان نیز بر پایه همین اعتقادات در رفتارهایشان بر اساس اندیشه تبیین شده از امامت ائمه حمایت، و دیگران را به پیروی از آنان فرا می‌خواندند. عوامل مهم تأثیرگذار در رفتار شیعی عبارت است از:

### ۱. منطق شیعه در امامت الاهی

شیعیان عصر حضور، باورهایی به نشانه‌های محکمی از طرف خداوند متعال برای اثبات امامت اهل بیت (علیهم السلام) داشته‌اند (باقری، فرمانیان و توران، ۱۳۹۸: ۷۸). اصحاب اجماع مانند ابوبصیر، ابن تغلب و ابن مسکان (صفار، ۱۳۹۴: ۲۶۹، ۲۷۱-۲۷۲، ۳۹۸، ۴۰۲، ۳۹۹، ۲۶۹) و سایر اصحاب مانند ابی عمیر گزارش‌هایی داده‌اند (مفید، ۱۳۷۹: ۳۲۵). منطق شیعه بر پایه آموزه‌های دینی واصله از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و براهین عقلی (همو، ۱۴۱۳: ۲۳۹)، نصب امام از طرف پروردگار است و وی امامت الاهی بر مردم دارد (طبری، ۱۳۸۷: ۳۵۰/۲). مردم نیز برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت موظف‌اند از آنان به عنوان امام مفترض الطاعه اطاعت و پیروی کنند (یعقوبی، بی‌تا: ۱۷۹/۲)، چنان‌که حضرت علی (علیه السلام) در مناشده با دیگران بر نصب الاهی خویش و وصایت پیامبر بر آن تأکید داشت (کُلینی، ۱۳۶۲: ۲۶/۸)؛ و امام حسن مجتبی (علیه السلام) هم خطاب به کسانی که وی را به جهت صلح با معاویه ملامت می‌کردند (خزاز، ۱۴۰۱: ۲۲۵). همچنین، برخورداری امام از علم الاهی، عصمت، زعامت بر دین و دنیای مردم، هدایت، اجرای حدود و تعلیم مردم از دیگر شئون و وظایف امامت الاهی است. در برخی روایات نیز به سخن ائمه در پاسخ به پرسش اصحاب درباره تعداد ائمه و امام غائب اشاره شده است (بحرانی، ۱۴۱۷: ۱۴۸؛ بحرانی، ۱۳۹۷: ۳، ۴۷۵) که در میان منابع متقدم به‌وفور موجود است و مبتنی بر اعتقاد و آشنایی شیعیان عصر حضور، به‌ویژه اصحاب خاص امامان (علیهم السلام)، است.

## ۲. جایگاه امامت از دیدگاه شیعیان امامت‌باور عصر حضور

بدین‌منظور مجموعه داده‌های تاریخی موجود، استخراج و ذیل عناوین مطرح در منطق شیعه از امامت الاهی تنظیم می‌گردد.

**ضرورت حب به علی (علیه‌السلام):** خویشی دامادی حضرت علی (علیه‌السلام) با رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، رشادت‌های امام در نبردها و حمایت‌های رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از حضرت علی (علیه‌السلام)، دعوت قرآن و سنت نبوی در محبت‌ورزیدن به ائمه اطهار (علیهم‌السلام) از جمله زمینه‌های فرعی محبوبیت وی در بین مسلمانان بود (جعفریان، ۱۳۷۸: ۳۶۱)، اما زمینه اصلی محبت به حضرت علی (علیه‌السلام) و ائمه اطهار (علیهم‌السلام)، اعتقاد به الاهی‌بودن امامت و مفترض‌الطاعة‌بودن آنان بوده و از این‌رو قرآن درباره محبت به آنان می‌فرماید: «من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست‌داشتن نزدیکانم [اهل بیت]»؛ «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (سوری: ۲۳). نیز رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) درباره ابراز محبت به این خاندان بارها از جمله در حدیث ثقلین (مفید، ۱۴۱۳: ۱۸۱/۱) تأکید داشتند. الاهی‌بودن ابراز محبت به ائمه اطهار (علیهم‌السلام)، اگرچه در مباحث کلامی شیعه مطرح نبوده، اما هنگام حمایت سیاسی و اعتقادی شیعیان از امام خویش و تأکید آنان در ابراز محبت به امام بر پایه امر الاهی، جزء باورها و اندیشه‌های بنیادین امامیه به حساب می‌آمده و آن را پیش‌شرط شیعه‌بودن خود می‌دانستند، چنان‌که سلمان فارسی در حمایت از رهبری سیاسی و دینی حضرت علی (علیه‌السلام) گفت: «با رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بیعت کردیم، مبنی بر اینکه از نصیحت و ارشاد مسلمانان دریغ نورزیم، پیرو و دستدار علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام) باشیم» (مظفر، ۱۳۷۹: ۴۲).

با روشن‌گری رسول خدا درباره شخصیت علی (علیه‌السلام)، محبوبیت (علیه‌السلام) در میان شیعیان همانند محبوبیت خدا به حساب می‌آمد و اگر کسی از حضرت علی (علیه‌السلام) بدگویی می‌کرد، در معرض طعن آنان قرار می‌گرفت (مسعودی، ۱۴۰۹: ۴۲۳/۲). برخی از اصحاب امام مانند حمزه ابن محمد در حضور امام جعفر صادق (علیه‌السلام) از محمد ابن ابی‌بکر به عنوان کسی یاد کرده‌اند که با امام علی (علیه‌السلام) بیعت کرد و ایشان را امام مفترض‌الطاعة می‌دانست و امام برایش صلوات فرستاد (کشی، ۱۳۸۲: ۶۳).

**مخالفت با خلافت حاکمان نامشروع؛** اگر حکومتی مشروعیت الاهی نداشته باشد، حکومت جور و ظلم است. لذا آنان حاکمیت خلفای نخست، بنی‌امیه و بنی‌عباس را به همین دلیل نامشروع دانسته و می‌کوشیدند مخالفت خود را با آنان ابراز کنند. هدفشان از این کار علاوه بر تبیین مشروعیت‌نداشتن خلفا، حمایت از حق حاکمیت امامان شیعه بود. بنابراین، در مقاطع مختلف به غصب حق حضرت علی (علیه‌السلام) در سقیفه، فساد سیاسی، اجتماعی و اعتقادی

خلفا و نقش آنان در تحولات و تغییرات فکری و فرهنگی جامعه اشاره می‌کردند. مؤید این ادعا، رفتار مخالف‌آمیز شیعیانی همچون سلمان، ابوذر، مقداد و دیگران (یعقوبی، بی‌تا: ۱۲۴/۲) به نحوه انتخاب خلیفه و خلافت آنان بود، موضوعی که خود خلفا نیز به غیرالاهی بودنش اعتراف کرده‌اند و بنا بر گفته عمر انتخاب ابوبکر ناگهانی بود (بلاذری، ۱۴۱۷: ۵۹۱/۱). لذا هیچ‌گونه پشتوانه الاهی نداشت. باید متذکر شد که این مقاله در پی اثبات مدعا و اشاره به برخی شواهد است، که در ادامه بحث خواهد آمد.

**تولا و تبراً؛** بنا بر نقل تاریخ، روزی محمد بن ابی‌بکر خدمت حضرت علی علیه السلام رسید و درخواست کرد تا با آن حضرت تجدید بیعت کند. در پاسخ حضرت که «قبلاً بیعت نکرده‌ای؟» پاسخ داد: آری؛ و گواهی داد که شهادت می‌دهم شما امام واجب‌الاطاعه هستی و پدرم در آتش قرار دارد (طوسی، ۱۴۰۹: ۲۸۲/۱). بر اساس این‌گونه گزارش‌ها (ثقفی، ۱۳۵۳: ۱۷۳/۱) به نظر می‌رسد با توجه به استحکام اندیشه تولا و تبراً، محمد بن ابی‌بکر اعلام تولا به امام خویش را راه‌گشای حقیقت و اذعان به آن را ضروری می‌داند. به عبارت دیگر، اعتراف به مقام مفترض‌الطاعه بودن امام، اعلام تولا به امام و تبراً از غیر او است و این جداکننده مسیر حق از باطل است.

در گزارشی دیگر، در گفت‌وگویی که میان ابی‌هارون عبدی و جابر بن عبدالله انصاری برقرار شده، پرسش‌کننده از معنای سخن پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام مبنی بر همسانی منزلتش با هارون به موسی می‌پرسد و جابر پاسخ می‌دهد که رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را خلیفه و جانشین خود، چه در حیات و چه پس از مرگ خویش، بر امتش کرد و فرمان‌برداری از او را بر مردم واجب گردانید (صدوق، ۱۴۰۳: ۷۴).

### ۳. ضرورت وجود امام

ائمه اطهار علیهم السلام در صدد آموزش این اندیشه به شاگردان برجسته خویش بودند و می‌گفتند قوام دین و دنیا به وجود امام در روی زمین است (کَلینی، ۱۳۶۲: ۲۱۸/۱). نیز سنت الاهی آن است که هیچ‌گاه زمین خالی از حجت نباشد؛ و نبودن حجت برابر با از بین رفتن دین خدا و نابودی زمین و اهل آن است (همان: ۱۷۸/۱، ۱۷۲/۱-۱۷۵، ۱۷۰/۱؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۱۰۵/۴). بر پایه این اندیشه بنیادین، شیعیان نیز در مناظرات و مباحث علمی خویش بر آن تأکید می‌کردند. صدوق ضمن بیان مناظراتش، شبهات درباره امام زمان علیه السلام و دیدگاه‌های فرق دیگر حول موضوع امامت

نشانه‌یابی رفتاری باور به امامت اهل بیت (علیهم‌السلام) در میان ... / ۱۴۵

و مهدویت را رد می‌کند (صدوق، ۱۴۲۲: ۲/۱). مراجع عظام شیعیان عالمان مبرزی بودند که ارشاد، هدایت و پاسخ‌گویی مسائل شرعی مردم را عهده‌دار بودند.

#### ۴. نصب الاهی ائمه اطهار (علیهم‌السلام)

بر خداوند لطف است که برای هدایت بشر افرادی را به منزله نبی یا امام برگزیند (حلی، ۱۴۰۵: ۲۳). زیرا منصب امامت، منصبی الاهی است و منصبی نیست که مردم در آن رأی و نظر داشته باشند (حلی، ۱۴۰۷: ۴۹۰). ماجرای سقیفه بنی‌ساعده به منزله تحولی سیاسی اجتماعی، با انتقال قدرت از جایگاه فرد لایق و منصوب الاهی به غیر او، بر اساس اندیشه سیاسی خلفا با روش غلبه، بر دیگر مباحث اسلامی در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و اعتقادی تأثیر به‌سزایی داشت<sup>۱</sup> (فتنازانی، ۱۴۰۹: ۲۳۳/۵، ۲۳۴). این تأثیر، بیشترین نقش خود را در سوءاستفاده از مقام خلافت گذاشت. در این رویکرد، خصوصیات اخلاقی رفتاری و علمی خلیفه و نحوه انتخابش تغییر یافت. به عبارت دیگر، در بُعد سیاسی با رویکرد اعتقادی، در تعیین جانشین پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) این اصل نهاده شد که مقام خلیفه، دیگر جایگاه الاهی ندارد، بلکه هر کس بتواند به هر نحوی برای اداره جامعه به قدرت برسد، چه این شخص ظالم باشد و چه عادل، حاکم و امام مردم است. بر اساس این رفتارِ خلفا در سقیفه و تغییر چگونگی انتخاب جانشینان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، اندیشه‌های سیاسی متفاوتی در میان اهل سنت پدید آمد، چنان‌که بنا بر همین اندیشه، برخی اندیشمندان اهل سنت معتقدند امامت با زور و غلبه نیز حاصل می‌شود و نیاز به گزینش و عقد ندارد (ابن‌فراء حنبلی، ۱۴۰۶: ۲۰).

شیعیان امامیه معتقدند اطاعت از امام معصوم، زمانی واجب است که مبتنی بر نصب الاهی باشد. آنان با روش‌های مختلف، در مقاطع مختلف تاریخ اسلام این اندیشه را تبیین و از آن دفاع کرده‌اند؛ چنان‌که عدی بن حاتم برای تشویق مسلمانان به جنگ علیه معاویه، سخنانی حماسی درباره حضرت علی (علیه‌السلام) بیان می‌کند که در بخشی از آن، حتی مقامی بالاتر از عصمت برای آن حضرت قائل می‌شود. وی می‌گفت به خدا قسم در صورتی که فردی به جز علی (علیه‌السلام) ما را به جنگ با اهل نماز دعوت می‌کرد، حرفش را نمی‌پذیرفتیم. ایشان شروع‌کننده هیچ جنگی نبودند، مگر به سبب فرمان خداوند (نک: ابن‌قتیبه دینوری، ۱۴۱۰: ۱/۱۴۱).

شیعیان برای اثبات مبانی خود و تأکید بر جوهر بودن حکومت خلفا، اصرار داشتند که اطاعت از امام (علیه‌السلام) به موجب نسبت وی با پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نیست، بلکه به دلیل نصب وی از طرف خدا است تا دین خدا اجرا گردد (همان: ۴۲۶).

اعلان الاهی بودن منصب ولایت نزد شیعیان اهمیت بسیار دارد؛ زیرا آنها برای ادای دین شرعی تکالیف شخصی و اجتماعی خود نیاز به حجت و برهانی محکم داشتند و از طرف دیگر رفتار خلفا با سیره الاهی نبوی (ﷺ) فاصله بسیار گرفته بود. بنابراین، شیعیان با براهین عقلی نیز در صدد اثبات نصب الاهی امام برمی‌آمدند، چنان‌که در مناظره ضرار بن عمرو ضیبی (قرن ۲) با هشام بن حکم (متوفای ۱۷۹ ه.ق.) آمده است که ضرار خطاب به هشام گفت: «امامت چگونه تعیین می‌شود؟». هشام گفت: «همان‌طور که نبوت تعیین می‌گردد». ضرار گفت: «در این صورت آن‌که تو می‌گویی امام نیست، بلکه پیامبر است». هشام گفت: «نه؛ زیرا نبوت در آسمان تعیین می‌شود، ولی امامت را در زمین تعیین می‌کنند؛ قرارداد نبوت توسط ملائکه و قرارداد امامت به وسیله پیامبر (ﷺ) بسته می‌شود، اما هر دو با اجازه و تعیین خدا است» (صدوق، ۱۳۹۵: ۲/۳۶۵-۳۶۸).

لذا پذیرش وجوب اطاعت از امام مرسل توسط خدا، وصی رسول خدا (ﷺ)، معصوم و صاحب علم موجب برانگیختن عقول و فطرت هر انسان عاقلی است، چنان‌که از اصحاب «امیرالمؤمنین (ﷺ) نجاشی بود. ایشان در نبرد صفین نسبت به برخی از اصحاب امام گفته بود که نافرمانی کردن از امام و پیشوایی که از طرف خداوند حقش بر ما واجب نموده روا نیست، همچنین اطاعت کردن مردم از آن گردن‌کش. بنابراین، شیعیان با دیدن روش و سبک زندگی امام امیرالمؤمنین (ﷺ) و تطبیق آن با این خرد و منطقی، ایشان را به عنوان پیشوا و رهبر خود انتخاب نموده و اقوام و طایفه خود را به حمایت و دفاع و پیروی محض از ایشان دعوت می‌کردند» (پورحسین، ۱۳۸۷: ۳۵).

## ۵. وصایت رسول خدا (ﷺ) به امامت ائمه اطهار (ﷺ)

حضرت علی (ﷺ) نیز جزء اوصیای الاهی بوده و در میان اوصیای انبیا، شباهت فراوان با بسیاری از این اوصیا دارد. از جمله این شباهت‌ها، عادل بودن، یکتاپرست بودن، عالم بودن، یاری کردن دین و ادای امانات است، که بنا بر سخنان رسول خدا (ﷺ)، علی (ﷺ) بر اساس این ویژگی‌ها، شایسته وصایت است (صدوق، بی‌تا: ۴۶۹/۲). شخصیت‌های برجسته صدر اسلام از جمله ابی‌سعید، انس بن مالک، بریده اسلمی،<sup>۲</sup> اشتر نخعی، عمار، ابوذر و محمد بن ابی‌بکر، بارها به این مقام اعتراف کرده و شیعیان نیز در دفاع از امامت مولای خویش علی (ﷺ)، بیشتر توجه خود را به وصی بودن امام سوق داده‌اند، چنان‌که خُزیمه بن ثابت پس از بیعت با حضرت علی (ﷺ) می‌گفت: «ما کسی را برگزیده‌ایم که رسول خدا (ﷺ) او را بر ما برگزیده است» (اسکافی، ۱۴۰۲: ۵۱). ابن‌عجلان نیز می‌گفت: «چگونه متفرق شویم در حالی که علی (ﷺ)، وصی است» (ابن‌ابی‌الحدید،



نشانه‌یابی رفتاری باور به امامت اهل بیت (علیهم‌السلام) در میان ... / ۱۴۷

۱۴۰۴: ۱۴۳/۱-۱۴۹). حجر بن عدی نیز می‌گفت: «پس از رسول خدا ﷺ ولایت در علی (علیه‌السلام) بوده و رسول، به وصایت او پس از خود، رضایت داد» (همان: ۱۴۵/۱؛ یعقوبی، بی‌تا: ۱۷۹/۲). حضرت علی (علیه‌السلام) وصی و وارث رسول خدا ﷺ و محیط به اسرار ایشان است (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۱۸۹/۳).

هدف اصلی شیعیان از اثبات وصایت علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام) علاوه بر روشن کردن مسیر صحیح حرکت اسلام، گسترش تشیع، تبیین حقانیت و مشروعیت حاکمیت سیاسی و دینی ائمه اطهار (علیهم‌السلام) بود. آنها در سخنان خود به این نکته اشاره می‌کردند که دلیل اصلی اطاعت و پیروی از علی (علیه‌السلام)، وصی بودن او است. همچنین، برای علت دوستی و حب به علی (علیه‌السلام) می‌گفتند رسول خدا ﷺ ولایت را از طرف خدا برای او قرار داد. لذا او را دوست داریم (ابن‌طیفور، بی‌تا: ۷۲).

می‌توان گفت مقام و منزلت امامت آن قدر تأثیرگذار بود که با عنایت و توجه به این منزلت مردم خود را شیعه (علیه‌السلام) می‌دانستند و در جهت تبلیغ امامت و حب علی (علیه‌السلام) اهتمام داشتند، تا جایی که در راه امام جان‌فشانی می‌کردند. چنان‌که شخصی شیعی به دلیل آنکه حاضر نشد به علی (علیه‌السلام) دشنام دهد متحمل چهارصد ضربه شلاق شد (ابن‌عماد حنبلی، بی‌تا: ۱۴۴/۱). اگر اعطای این مقام از جانب رسول خدا ﷺ به حضرت علی (علیه‌السلام) اثبات می‌شد، علاوه بر آنکه حاکی از مشروعیت‌نداشتن خلفا بود، تأثیر به‌سزایی در تثبیت و گسترش تشیع داشت. نیز موجب مشروعیت‌بخشی به حاکمیت ائمه اطهار (علیهم‌السلام) بود؛ لذا تبلیغ و دفاع از وصایت ائمه اطهار (علیهم‌السلام) دغدغه اصلی شیعیان قرار گرفت.

در بررسی مجموع گزاره‌های تاریخی راجع به وصایت حضرت علی (علیه‌السلام) می‌توان گفت، در بین مردم و شیعیان این شهرت شایع بوده و عالمان شیعه در رد شبهه حادث بودن این شهرت با استناد به همان گزاره‌ها به دفاع از وصایت امام پرداخته‌اند، چنان‌که برخی گفته‌اند اینک به برخی ادعا می‌کنند نص جلی بر ولایت امیر مؤمنان امری حادث بوده و در تاریخ شیعه متقدم مطرح نبوده است، با وجود شواهد بسیار پذیرفتنی نیست (سید مرتضی، ۱۴۱۳: ۵).

## ۶. شئون امامت

شیعه معتقد است کسی می‌تواند امام و هادی دین و دنیای مردم باشد که شئون و ویژگی‌های جامعی داشته باشد که به مدیریّتش قوت ببخشد. در برخی روایات، به این شروط و ویژگی‌ها اشاره و بر آن تأکید شده است. بر این اساس، برخی از عالمان شیعه بر این عقیده پافشاری کرده و در

رفتارهایشان گفته‌اند که مرجعیت علمی و زعامت سیاسی، عصمت و ولایت تکوینی از شاخصه‌های اصلی شأن امامت است.

## ۶. ۱. مرجعیت علمی امام

شیعیان که به علم لدنی ائمه علیهم‌السلام معتقدند در صورت مواجهه با مسئله‌ای و نیافتن پاسخ در گرفتن پاسخ از ائمه علیهم‌السلام می‌کوشیدند؛ زیرا از مبانی اعتقادی تشیع علم الاهی امام به همه امور است. در فرض اثبات علم امام، اطاعت از آنان نیز واجب می‌شد (یاوری سرتختی، ۱۳۹۳: ۶۹). در اندیشه بنیادین امامیه، اعتقاد به علم امامان و الاهی‌بودنش امری است که افزون بر روایات، از منظر براهین عقلی هم اثبات‌پذیر است. شیعیان با تکیه بر این اندیشه در دفاع و تبیین دقیق آن، هویت و حیات خود را تضمین و از بحران‌های پیش رو عبور می‌کردند (صدوق، ۱۳۹۸: ۲۷۰؛ علم‌الهدی، ۱۴۱۳: ۲۳). در گزارش دیگری هشام بن حکم در مناظره با عمرو ضبی (قرن ۲) اشاره می‌کند که یکی از لوازم شناخت امام این است که وی باید دانشمندترین مردم به حدود، فرایض، سنت‌ها و احکام خدا باشد، به طوری که هیچ مسئله‌ای، چه بزرگ و چه کوچک، برایش مجهول نباشد؛ زیرا اگر امام عالم به تمام حدود، احکام، شریعت و سنت نباشد اطمینانی نیست که حدود خدا را تغییر ندهد (صدوق، ۱۳۹۵: ۲/۳۶۵-۳۶۸).

## ۶. ۲. وجوب اطاعت از امام

در اندیشه سیاسی شیعیان دوازده‌امامی، ائمه علیهم‌السلام را به دلیل خصوصیات، فضایل، عصمت و توانایی‌های مدیریتی، رهبر و امام واقعی جامعه می‌دانند و فقط اطاعت از آنان واجب شمرده می‌شود؛ زیرا بنا بر سخنان امام صادق علیه‌السلام، خداوند امر دین و امت را به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خویش سپرد تا امور بندگی را تدبیر کند و به هیچ‌روی در سیاست و تدبیر خلق دچار لغزش و خطا نیست (کلبینی، ۱۳۶۲: ۲۶۶/۱). این امر بعد از رسالت، بر عهده امامان شیعه علیهم‌السلام است که دارای علم و عصمت‌اند. بنابراین، اطاعت از امام غیرمعصوم به دلیل نامشروع‌بودنش جایز نیست و رجوع به آنان حرام است. بر پایه همین اعتقاد، ابان بن تغلب مذهب شیعه را چنین تعریف می‌کند: «شیعیان کسانی هستند که هر گاه مردم در قول رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اختلاف می‌کنند، سخن امیر مؤمنان علیه‌السلام را می‌گیرند و وقتی در سخن علی علیه‌السلام اختلاف می‌کنند، قول جعفر بن محمد صادق علیه‌السلام را می‌پذیرند» (نجاشی، ۱۴۱۶: ۱۲).

یادآوری کردند که علی (علیه‌السلام) امام آنها است و اطاعتش بر آنان واجب است (خزاز، ۱۴۰۱: ۲۲۵). تأثیرگذاری تأکید بر وجوب اطاعت از امامان (علیهم‌السلام) آنچنان بود که شیعیان علاوه بر اعتقاد و اقرار به آن، تسلیم در مقابل امر امام (علیه‌السلام) را موجب نجات و مخالفت با ایشان را موجب هلاکت می‌دانستند و به الاهی بودن اطاعت نیز اشاره می‌کردند. در این اندیشه تولای حضرت علی (علیه‌السلام) به همراه تبرا و مشروع نبودن حکومت دشمن وجود دارد. گواهی این مطلب کُردوس بن هانی بکری است. وی در جنگ صفین خطاب به قوم و سپاهیان‌ش ضمن اعلام بیزاری از معاویه و اظهار دوستی و محبت به امیرالمؤمنین پیروان و رهروان ایشان را از اهل نجات می‌داند. نیز عمار در حمایت از مرجعیت سیاسی امیر مؤمنان (علیه‌السلام) بعد از رویداد سیاسی جمل خطاب به حاضران، امام علی (علیه‌السلام) را همواره با حق دانسته و مدافع و همراه او است (طوسی، ۱۴۰۹: ۲۰۴).

اعتقاد به واجب‌الاطاعه بودن امام معصوم، علاوه بر آنکه موجب تشکیل حکومت علوی ضمن اجرای حدود الاهی خواهد بود، موجب وحدت میان جامعه اسلامی نیز هست؛ زیرا مردم با اطاعت از فردی که خدا معین کرده است تمامی اختلافاتشان را کنار خواهند گذاشت. این موضوع از مباحثی است که محل توجه شیعیان بود و در سخنان خود به اهمیت موضوع اشاره می‌کردند (منقری، ۱۴۰۴: ۹۳). در گزارش دیگری، حصین ربعی نیز در هنگام جنگ صفین درباره نقش اطاعت از امام منصوب از طرف خدا می‌گوید که اطاعت از او را بهره‌مندی از حق، و سرپیچی از فرمان وی را منجر به تن سپردن به باطل می‌داند (همان: ۴۸۵).

اندیشه وجوب اطاعت از امام معصوم در هر عصری موجب شد برخی از کسانی که این تفکر را با فطرت خود سازگار می‌دانند از امامان شیعه (علیهم‌السلام) اطاعت کنند و از این طریق علاوه بر گسترش تشیع و پیروی محض از امام معصوم، مشروعیت‌نداشتن حاکمیت خلفا اثبات شود. خلفا نیز علاوه بر مبارزه با اندیشه اطاعت از امام معصوم و عالم به دین و سیاست می‌کوشیدند این اعتقاد در جامعه بروز و ظهور نیابد؛ زیرا تأثیر به‌سزایی در گسترش تشیع و تبیین مشروعیت‌نداشتن حکومت خلفا داشت، چنان‌که هارون الرشید این اعتقاد شیعیان را مخالف با خودکامگی خود می‌دید. لذا در طوماری از شیعیان که حاکی از مفترض‌الطاعه بودن امام کاظم (علیه‌السلام) در نزد وی بود، بسیار خشناک شد و به آن حضرت بی‌احترامی کرد (مفید، ۱۴۱۴: ۵۵). خواص و بزرگان شیعه با پذیرش وجوب اطاعت از امام معصوم، حتی قوم خود را به اطاعت از آنان دعوت می‌کردند، و از این طریق تفکر شیعه و پیروی از امام معصوم گسترش می‌یافت (منقری، ۱۴۰۴: ۱۰۴). در اندیشه شیعه تبیین شد که اطاعت از امام معصوم امید نجات است. بر پایه این اندیشه، شیعیان در عمل خود نیز به این

اندیشه تجلی بخشیده‌اند و می‌کوشند با تمسک به آن مسیر حیات و هویت خود را حفظ کنند (مفید، ۱۴۱۴: ۶۵؛ کلینی، ۱۳۶۲: ۱/۱۵۵).

## نتیجه

فهم دقیق تاریخ شیعه و مطالعه در آن زمینه‌ای است برای پی‌بردن به این مطلب که اندیشه‌های بنیادین شیعه درباره امامت در عصر حضور اهل بیت علیهم‌السلام بسیار عمیق بوده است. امامت الاهی و ضرورت وجود امام منصوب از طرف پروردگار در جامعه یکی از باورهای اعتقادی شیعه است. شیعه برای دفاع از اعتقادات و تبیین آن و حفظ هویت خویش در عبور از بحران‌های سیاسی اجتماعی به این اندیشه استناد کرده و آن را در زندگی خود تجلی بخشیده است. بنابراین، تجلی این رفتارها حکایت از نهادینه‌بودن این مفاهیم در عصر رسالت دارد و شیعه این مفاهیم را عینیت بخشیده است. روایات قدسی و روایات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم راجع به ضرورت اصل امامت ائمه علیهم‌السلام از اعتقادات انکارناپذیر شیعیان عصر حضور است. نصوص و سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر امامت حضرت علی علیه‌السلام به عنوان اولین امام، از ائمه علیهم‌السلام به‌وفور وارد شده است. در نصوص واردشده تعداد و اسامی امامان اهل بیت علیهم‌السلام را پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ذکر کرده‌اند. با توجه به نشانه‌یابی شیعیان عصر حضور امام، با اعتقاد کامل امام را مفروض الطاعه می‌دانستند. شیعیان عصر حضور برای ضرورت وجود امام، به خالی نبودن زمین از حجت اعتقاد داشتند. این موضوع آنها را به مباحث علمی و مناظرات می‌کشاند و بر آن تأکید می‌کردند.

## پی‌نوشت‌ها

۱. رسول خدا (ص) در گفت‌وگو با حذیفه بن یمان می‌فرماید: «پس از من پیشوایانی خواهند آمد که به روش من عمل نمی‌کنند. پاره‌ای از ایشان دل‌هایی همچون دل شیطان دارند، اگرچه به‌ظاهر انسان‌اند» (نیشابوری، بی‌تا: ۲۰/۶-۲۲).

۲. برای مطالعه بیشتر نک.: عسکری، ۱۳۷۹: ۲۱۷/۱.

## منابع

قرآن.

- ابن ابی الحدید (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: دار احیاء الکتب العربیه.
- ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۷۸). عیون اخبار الرضا (علیه‌السلام)، تهران: جهان.
- ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۹۵). کمال الدین و تمام النعمة، تهران: اسلامیه، چاپ دوم.
- ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۹۸). التوحید، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی (۱۴۰۳). معانی الاخبار، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی (۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی (۱۴۲۲). کمال الدین و تمام النعمة، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی (بی‌تا). علل الشرایع، قم: داوری.
- ابن طیفور، احمد بن ابن طاهر (بی‌تا). بلاغات النساء، قم: مکتبه بصیرتی.
- ابن عماد حنبلی، أبی الفلاح (بی‌تا). شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن فراء حنبلی، محمد بن حسین (۱۴۰۶). الاحکام السلطانیة، بی‌جا: مرکز النشر مکتب الاعلام السلامی.
- ابن قتیبه دینوری، عبد الله بن مسلم (۱۴۱۰). الامامة والسیاسة المعروف بتاریخ الخلفاء، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الاضواء.
- ابن ندیم بغدادی، محمد بن اسحاق (بی‌تا). الفهرست، تحقیق: رضا تجدد، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم‌السلام).
- اسکافی، محمد بن عبد الله (۱۴۰۲). المعیار والموازنة، تحقیق: محمد باقر محمودی، بی‌جا: بی‌نا.
- باقری، اکبر؛ فرمانیان، مهدی؛ توران، امداد (۱۳۹۸). «نص بر امامت ائمه اهل بیت (ع) از منظر اصحاب اجماع امامین صادقین (علیهم‌السلام)»، در: پژوهش‌نامه امامیه، ش ۱۰، ص ۶۲-۹۸.
- بحرانی، عبد الله بن نور الله (۱۳۹۷). عوالم العلوم والمعارف والاحوال، قم: مدرسه الامام المهدي (علیه‌السلام).
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۷). البرهان فی تفسیر القرآن، قم: دار التفسیر.
- بلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر (۱۴۱۷). کتاب الجمل من انساب الاشراف، تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دار الفکر.
- پورحسین، احسان (۱۳۸۷). «مبانی اطاعت از حاکم در اندیشه سیاسی شیعه»، در: علوم سیاسی، ش ۴۲، ص ۳۲-۴۱.
- تفتازانی، سعد الدین (۱۴۰۹). شرح المقاصد، تحقیق: ابو رحمان عمیره، قم: منشورات الشریف الرضی.
- ثقفی، سعدالدین (۱۳۵۳). الغارات، تحقیق: جلال‌الدین حسینی ارموی، تهران: انجمن آثار ملی.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۸). حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، قم: انصاریان، چاپ یازدهم.

حلی، جمال الدین حسن بن یوسف (۱۴۰۷). کشف المراد، تحقیق: حسن حسن زاده آملی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۵). کشف المراد، کویت: مکتبه الفین.

خزازی، علی بن محمد (۱۴۰۱). کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر، قم: بیدار.

سید مرتضی علم الهدی، علی بن حسین (۱۴۱۳). الفصول المختارة، قم: کنگره شیخ مفید.

صفار، محمد بن حسن (۱۳۹۴). بصائر الدرجات، قم: آستانه مقدسه قم، زائر.

طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷). تاریخ الامم والملوک، تحقیق: محمد ابو الفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). اختیار معرفة الرجال، مشهد: دانشگاه مشهد.

عسگری، سید مرتضی (۱۳۷۹). معالم المدرستین، ترجمه: محمد جواد کرمی، قم: دانشکده اصول دین.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲). الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری تهران: اسلامیه، چاپ دوم.

کشی، محمد بن عمر (۱۳۸۲). رجال الکشی: اختیار معرفة الرجال، تصحیح: حسن مصطفوی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.

محرر، تقی؛ یآوری سرتختی، محمد جواد (۱۳۹۷). «واکاوی نسبت مشروعیت و بیعت در حکومت علوی»، در:

حکومت اسلامی، ش ۹۸، ص ۶۵-۹۴.

مدرسی طباطبایی، سید حسین (۱۳۸۶). مکتب در فرآیند تکامل، ترجمه: هاشم ایزدپناه، تهران: کویر، چاپ سوم.

مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۴۰۹). مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق: اسعد داغر، قم: دار الهجرة، الطبعة الثانية.

مظفر، محمد حسین (۱۳۷۹). تاریخ تشیع، ترجمه: سید محمد باقر حجتی، قم: نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم.

مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳). الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: کنگره شیخ مفید.

مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۴). الاختصاص، تحقیق: علی اکبر غفاری، بیروت: دار المفید.

منقری، نصر بن مزاحم (۱۴۰۴). وقعة صفین، تصحیح: عبد السلام محمد هارون، قم: مکتبه آية الله المرعشي النجفي، الطبعة الثانية.

نجاشی، ابو العباس احمد بن علی (۱۴۱۶). الرجال، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.

نیشابوری، مسلم بن حجاج (بی تا). صحیح، بیروت: دار الفکر.

هالم، هاینس (۱۳۸۵). تشیع، ترجمه: محمد تقی اکبری، قم: نشر ادیان.

یآوری سرتختی، محمد جواد (۱۳۹۳). «بررسی نظریه پیدایش تشیع فقاهتی در عصر صادقین (علیهم السلام)»، در: زمانه،

ش ۱۲۶-۱۲۷، ص ۶۷-۷۰.

یعقوبی، احمد بن ابی واضح (بی تا). التاريخ، بیروت: دار صادر.

## References

The Holy Quran.

Asgari, Seyyed Morteza. 2000. *Maalem al-Madrasatayn (Teachings of Two Schools)*, Translated by Mohammad Jawad Karami, Qom: Osool al-Din College. [in Farsi]

Bagheri, Akbar; Farmaniyan, Mahdi; Turan, Emdad. 2019. "Nas bar Emamat Aemmeh Ahl Bayt az Manzar Ashab Ejma Imamayn Sadeghayn (AS) (Evidence for the Imamate of the Imams of the Ahl al-Bayt (AS) from the Perspective of the Companions of the Consensus of Imam Bagher and Imam Sadegh (AS))", in: *Imamiyyah Studies*, no. 10, pp. 62-98. [in Farsi]

Bahrani, Abdollah ibn Nurollah. 2018. *Awalem al-Olum wa al-Maaref wa al-Ahwal (The Worlds of Sciences and Knowledge and Conditions)*, Qom: Imam Mahdi School. [in Arabic]

Bahrani, Hashem ibn Soleyman. 1996. *Al-Borhan fi Tafsiir al-Quran (Argument in the Interpretation of the Quran)*, Qom: Interpretation House. [in Arabic]

Balazori, Ahmad ibn Yahya ibn Jaber. 1996. *Ketab al-Jomal men Ansab al-Ashraf (Overview of Aristocratic Genealogy)*, Researched by Soheyl Zakkar & Riyadh Zarakli, Beirut: Thought Institute. [in Arabic]

Eskafi, Mohammad ibn Abdollah. 1982. *Al-Meyar wa al-Mowazanah (Criteria and Balance)*, Researched by Mohammad Bagher Mahmudi, n.p: n.pub. [in Arabic]

Halm, Heinz. 2006. *Shiism*, Translated by Mohammad Taghi Akbari, Qom: Publication of Religions. [in Farsi]

Helli, Hasan Yusof. 1985. *Kashf al-Morad*, Kuwait: Al-Fin Press. [in Arabic]

Helli, Jamal al-Din Hasan ibn Yusof. 1987. *Kashf al-Morad*, Researched by Hasan Hasanzadeh Amoli, Qom: Qom Seminary Teachers Association. [in Arabic]

Ibn Abi al-Hadid. 1984. *Sharh Nahj al-Balaghah*, Researched by Mohammad Abolfazl Ibrahim, Qom: Arabic Books Revival House. [in Arabic]

Ibn Babewayh (Sadugh), Mohammad ibn Ali. 1983. *Maani al-Akhbar (Meanings of the Narrations)*, Qom: Qom Seminary Teachers Association. [in Arabic]

Ibn Babewayh (Sadugh), Mohammad ibn Ali. 1992. *Man la Yahzoroh al-Faghih (The One Who Doesn't Have Access to a Jurist)*, Researched by Ali Akbar Ghaffari, Qom: Islamic Publications Office, Second Edition. [in Arabic]

Ibn Babewayh (Sadugh), Mohammad ibn Ali. 1999. *Oyun Akhbar al-Reza (Selected*

- Words of Imam Reza*, Tehran: Jahan. [in Arabic]
- Ibn Babewayh (Sadugh), Mohammad ibn Ali. 2001. *Kamal al-Din wa Tamam al-Nemah (Completion of the Religion and Perfection of the Grace)*, Researched by Ali Akbar Ghaffari, Qom Seminary Teachers Association. [in Arabic]
- Ibn Babewayh (Sadugh), Mohammad ibn Ali. 2016. *Kamal al-Din wa Tamam al-Nemah (Completion of the Religion and Perfection of the Grace)*, Tehran: Islamiyyah, Second Edition. [in Arabic]
- Ibn Babewayh (Sadugh), Mohammad ibn Ali. 2019. *Al-Tawhid (Monotheism)*, Qom: Qom Seminary Teachers Association. [in Arabic]
- Ibn Babewayh Qomi (Sadugh), Mohammad ibn Ali. n.d. *Elal al-Sharae (Causes of Sharia)*, Qom: Dawari. [in Arabic]
- Ibn Emad Hanbali, Abi al-Falah. n.d. *Shazarat al-Zahab fi Akhbar man Zahab (Nuggets of Gold in the News of Those Who Have Gone)*, Beirut: Scientific Books House. [in Arabic]
- Ibn Farra Hanbali, Mohammad ibn Hosayn. 1986. *Al-Ahkam al-Soltaniyyah (Sultan's Rulings)*, n.p: Publishing Center of Islamic Media Office. [in Arabic]
- Ibn Ghotaybah Dinewari, Abdollah ibn Moslem. 1989. *Al-Imamah wa al-Siyasat al-Maruf be Tarikh al-Kholafa (Imamate and Politics Known as History of Caliphs)*, Researched by Ali Shiri, Beirut: Lights House. [in Arabic]
- Ibn Nadim Baghdadi, Mohammad ibn Eshagh. n.d. *Al-Fehrest (The List)*, Researched by Reza Tajaddod, Qom: Al Al-Bayt (AS) Foundation. [in Arabic]
- Ibn Tayfur, Ahmad ibn Ibn Taher. n.d. *Balaghat al-Nesa (Women's Rhetoric)*, Qom: Basirati Press. [in Arabic]
- Jafariyan, Rasul. 1999. *Hayat Fekri wa Siyasi Imaman Shiah (The Intellectual and Political Life of Shiite Imams)*, Qom: Ansariyan, 11<sup>th</sup> Edition. [in Farsi]
- Kashi, Mohammad ibn Omar. 2003. *Rejal al-Kashi: Ekhtiyar Marefah al-Rejal*, Researched by Hasan Mostafawi, Mashhad: Mashhad University Publishing Institute. [in Arabic]
- Khazzaz, Ali ibn Mohammad. 1981. *Kefayah al-Athar fi al-Nas ala al-Aemmah al-Ethna Ashar*, Qom: Bidar. [in Arabic]
- Koleyni, Mohammad ibn Yaghub. 1983. *Al-Kafi*, Researched by Ali Akbar Ghaffari, Tehran: Islamiyyeh, Second Edition. [in Arabic]



- Masudi, Abu al-Hasan Ali ibn al-Hosayn. 1988. *Moruj al-Zahab wa Maaden al-Jawaher (Meadows of Gold & Mines of Jewelry)*, Researched by Asad Dagher, Qom: Al-Hejrah House, Second Edition. [in Arabic]
- Menghari, Nasr ibn Mozahem. 1984. *Waghah Seffin (The Event of Seffin)*, Edited by Abd al-Salam Mohammad Harun, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library, Second Edition. [in Arabic]
- Modarresi Tabatabayi, Seyyed Hoseyn. 2007. *Maktab dar Farayand Takamol (School in the Process of Evolution)*, Translated by Hashem Izadpanah, Tehran: Kawir, Third Edition. [in Farsi]
- Mofid, Mohammad ibn Noman. 1992 a. *Al-Ershad fi Marefah Hojajellah ala al-Ebad (Guidance to the Knowledge of the Representatives of God over the People)*, Qom: The World Conference of the Sheikh Al-Mufid. [in Arabic]
- Mofid, Mohammad ibn Noman. 1993. *Al-Ekhtesas*, Researched by Ali Akbar Ghaffari, Beirut: Al-Mofid House. [in Arabic]
- Mohaddar, Taghi; Yawari Sartakhti, Mohammad Jawad. 2018. "Wakawi Nesbat Mashruiyat wa Beyat dar Hokumat Alawi (Analysis of the Relationship between Legitimacy and Allegiance in the Alawite Government)", in: *Islamic Government*, no. 98, pp. 65-94. [in Farsi]
- Mozaffar, Mohammad Hoseyn. 2000. *Tarikh Tashayyo (History of Shiism)*, Translated by Seyyed Mohammad Bagher Hojjati, Qom: Publication of Islamic Culture, Fifth Edition. [in Farsi]
- Najjashi, Abu al-Abbas Ahmad ibn Ali. 1995. *Al-Rejal*, Qom: Qom Seminary Teachers Association, Fifth Edition. [in Arabic]
- Neyshaburi, Moslem ibn Hajjaj. n.d. *Sahih*, Beirut: Thought House. [in Farsi]
- Purhoseyn, Ehsan. 2008. "Mabani Etaat az Hakem dar Andisheh Siyasi Shiah (Foundations of Obedience to the Ruler in Shiite Political Thought)", in: *Political Sciences*, no. 42, pp. 32-41. [in Farsi]
- Saffar, Mohammad ibn Hasan. *Basaer al-Darajat (Insights Degrees)*, Qom: Holy Shrine of Qom, Pilgrim. [in Arabic]
- Seyyed Morteza Alam al-Hoda, Ali ibn Hoseyn. 1992. *Al-Fosul al-Mokhtarah (Selected Chapters)*, Qom: Sheikh Mofid Congress. [in Arabic]
- Tabari, Mohammad ibn Jarir. 1967. *Tarikh al-Omam wa al-Moluk (History of the Nations and the Kings)*, Researched by Mohammad Abu al-Fazl Ibrahim, Beirut:

- Heritage House. [in Arabic]
- Taftazani, Sad al-Din. 1988. *Sharh al-Maghased (Explanation of Intentions)*, Researched by Abu Rahman Omayrah, Qom: Al-Sharif al-Razi Press. [in Arabic]
- Thaghafi, Sad al-Din. 1974. *Al-Gharat*, Researched by Jalal al-Din Hoseyni Ormawi, Tehran: National Works Association. [in Arabic]
- Tusi, Mohammad ibn al-Hasan. 1988. *Ekhtiyar Marefah al-Rejal*, Mashhad: University of Mashhad. [in Arabic]
- Yaghubi, Ahmad ibn Abi Wazeh. n.d. *Al-Tarikh (The History)*, Beirut: Sader House. [in Arabic]
- Yawari Sartakhti, Mohammad Jawad. 2014. "Barresi Nazariyeh Peydayesh Tashayyo Feghahati dar Asr Sadeghayn (AS) (A Study of the Theory of the Emergence of Jurisprudential Shiism in the Age of the Righteous (AS))", in: *Time*, no. 126-127, pp. 67-70. [in Farsi]